

بررسی و نقد ترجمه جلد چهارم تاریخ فلسفه غرب (راتلج)

مجید صدرمجلس*

چکیده

در این نوشته ترجمه فارسی جلد چهارم تاریخ فلسفه راتلج: دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم را بررسی می‌کنیم. عنوان جلد چهارم نشان‌دهنده دوره‌های زمانی و برخی فیلسوفانی است که در این جلد بررسی می‌شوند. این اثر در سال ۱۹۹۳ میلادی با ویراستاری جی. اچ. آر. پارکینسون از سوی انتشارات راتلج چاپ شد و در ایران نیز در سال ۱۳۹۲ با ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی و ویرایش حسن فتحی با هم‌کاری انتشارات حکمت و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به چاپ رسید. در این مقاله کوشیده‌ایم به ترجمه فارسی اثر از دو زاویه صوری و کیفیت محتوا بنگریم و درخصوص آن به قضاوتی نسبی دست یابیم. نتیجه اجمالی این بررسی حاکی از این است که اثر ترجمه‌ای قابل‌فهم، معتبر، و مفید برای خواننده ایرانی است. جهات گوناگونی در پدیدآمدن این وضع دخیل‌اند، مانند ترجمه‌کردن نه از سر تفنن و شهرت، دقت و امانت‌داری، عبارت‌پردازی‌های روان و محکم، معادل‌گذاری‌های مناسب برای اصطلاحات فلسفی، و تخصص متناسب مترجم و ویراستار با موضوع. البته، درکنار این نکات، نمی‌توان وجود برخی سهوهای نادر را منکر شد. سهوهایی که ناخواسته‌اند و اگر این نوشته فایده‌ای داشته باشد، شاید فقط ازبابت رفع برخی از این سهوها در چاپ بعدی ترجمه باشد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ فلسفه راتلج: دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم، متن اصلی، ترجمه فارسی.

* استادیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه تبریز
sadremajles@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲

۱. مقدمه

جلد چهارم تاریخ فلسفه راتلج: دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم اثری است که در سال ۱۳۹۲ با هم‌کاری انتشارات حکمت و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به چاپ رسیده است. ترجمه فارسی را سیدمصطفی شهرآیینی و ویرایش آن را نیز حسن فتحی به انجام رسانده است. هر دو شخص نام‌برده در ترجمه جلد نخست تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون نیز دخیل بوده‌اند و اثر توسط همان دو ناشر نام‌برده چاپ شده است؛ البته در جلد نخست، مترجم حسن فتحی و ویراستار سیدمصطفی شهرآیینی است.

پسندیده خواهد بود که در این جا اندکی درخصوص چگونگی بررسی خویش سخنی گوئیم. قبل از هرچیز گفتنی است که حجم بیش‌تر مقاله به بررسی صوری و محتوایی نظر دارد. ابتدا می‌کوشیم جلد چهارم تاریخ فلسفه غرب: دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم را اجمالاً معرفی کنیم. مترجم و ویراستار نیز در کارنامه علمی خود انتشار مقالات و کتاب‌هایی را دارند که به برخی اشاره خواهیم کرد. کار بررسی ترجمه از دو زاویه خواهد بود: ۱. بررسی صوری؛ ۲. بررسی کیفیت محتوا.

در بررسی صوری به مواردی مانند عنوان کتاب، ترتیب قسمت‌های اثر، تنظیم نمایه‌ها، غلط‌های چاپی، و وجود افتادگی‌ها نظر کرده‌ایم. در بررسی چگونگی محتوا به مواردی مانند ترجمه قسمت اصطلاح‌نامه، ترجمه نام کتاب‌ها، ترجمه عبارت‌های لاتین و رسابودن یا صحت ترجمه واژه‌ها، عبارت‌ها، و جمله‌ها پرداخته‌ایم. به نظر نگارنده، ترجمه آثار فکری فلسفی، که به‌ویژه هم‌چون مجلدات ده‌گانه تاریخ فلسفه راتلج نوشته نویسندگان متعددی است، کار دشواری است و اگر مترجمی نه از سر تفنن، بلکه از روی دغدغه علمی بدین کار دست یازد، ارج و اجر او را باید محفوظ شمرد. البته اجر چنین کاری در جامعه ما اغلب چندان درخور زحمتی نیست که مترجم بدان تن داده است. شاید در شرایطی که کارهای اصیل فکری زیاد نیست، نباید انتظار زیادی داشت؛ چه بسا، بهتر آن است که خود این فعالیت فکری را غنیمت شماریم.

با این‌همه، به نظر نگارنده مطالعه آثاری که از اصالت و اعتبار برخوردارند هم آموزنده و هم سزاوار بررسی است. امیدواریم ذکر برخی نکته‌ها، درکنار بیان امتیازهای قابل‌ملاحظه کار مترجم و ویراستار، گواه این امر تلقی شود که زحمت ایشان شایسته گرامی‌داشت و بررسی بوده است؛ چنان‌چه نکته درخور در این نوشته یابند آن را مدنظر قرار دهند.

۲. معرفی کوتاه جلد چهارم تاریخ فلسفه راتلج

تاریخ فلسفه راتلج (*Routledge History of Philosophy*)، همان‌طور که از نامش پیداست، منسوب به انتشاراتی پرآوازه است که آثار برجسته‌ای در زمینه‌های فکری و فرهنگی به‌معنای عام کلمه عرضه می‌کند. این تاریخ فلسفه در مجموعه‌ای ده‌جلدی انتشار یافته است و دو سرویراستار در سامان این مجموعه اهتمام ورزیده‌اند که عبارت‌اند از جی. اچ. آر. پارکینسون (G. H. R. Parkinson) و اس. جی. شنکر (S. G. Shanker). البته، علاوه بر این دو تن، گاه متخصصانی به‌صورت تک‌نفره و دونفره به ویراست جلدی از مجلدات ده‌گانه این اثر موظف بوده‌اند.

جلد چهارم تاریخ فلسفه راتلج: دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم (*The Renaissance and Seventeenth-Century Rationalism*) همان‌طور که از نامش برمی‌آید به جریان‌های فکری فلسفی یا فیلسوفانی در محدوده دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم می‌پردازد. اثر نخستین بار در سال ۱۹۹۳ از سوی انتشارات راتلج (Routledge) به‌چاپ رسیده است. ویراستار ویژه جلد چهارم تاریخ فلسفه کسی است که نام او جزء سرویراستاران کل مجموعه ده‌جلدی هم ذکر شده است: جی. اچ. آر. پارکینسون. ویراستاری جلد چهارم به‌دست پارکینسون به‌دلیل تخصص او در زمینه موضوع و بخشی از برهه زمانی اثر بوده است و نگارش فصل هشتم از همین مجموعه به‌قلم خود او گواهی است بر این مدعا. اساساً گستردگی و تعدد آثار در هریک از زمینه‌های مورد بحث اقتضا می‌کند که امروزه آثار تاریخ فلسفه به قلم چندین تن از اهل فن نگاشته شوند. شاید چنین کارهایی به‌دلیل قلم‌های متفاوت و رویکردهای گوناگون نویسندگان آن‌ها نگارش یک‌دست و نگاه یک‌سویه نداشته باشند، اما اغلب در دقیق و تخصصی و جدید بودن آن‌ها نمی‌توان تردید کرد.

سیاست‌گذاری دست‌اندرکاران امر نشان می‌دهد که فصل‌های جلد چهارم تاریخ فلسفه راتلج به‌صورت مکانیکی تدوین نشده است و بسته به اهمیت هر جریان فلسفی یا فیلسوف، یک یا دو فصل بدان اختصاص یافته است. گاهی هم دو فیلسوف با هم در یک فصل گزارش شده‌اند؛ چنان‌که در خصوص فرانسیس بیکن یک فصل (چهارم) وجود دارد، اما به برخی از فیلسوفان مانند دکارت (پنجم و ششم) و اسپینوزا (هشتم و نهم) دو فصل اختصاص یافته است. فصل هفتم نیز مشتمل است بر گاسندی و هابز.

طی دو صفحه x-xi از صفحات مقدماتی اثر، فهرست نویسندگانی آمده است که در نگارش فصل‌ها مشارکت داشته‌اند. نکات بیان‌شده در خصوص فعالیت‌های کاری و فلسفی

این نویسندگان نشان‌دهنده تخصص آنان در حوزه‌ها و زمینه‌هایی است که مشارکت داشته‌اند. اگر از مقدمه کتاب به قلم پارکینسون که خود نشان‌دهنده جدیت و اشراف او بر اثر است بگذریم، جمعاً با یازده فصل و یک قسمت «اصطلاح‌نامه» روبه‌رویم. سه فصل نخست به وجوهی از فلسفه نوزایی یا دوره تجدید حیات فکری، فرهنگی، و ادبی (Renaissance) در داخل و خارج ایتالیا و به وضع علم و ریاضیات در این دوره می‌پردازند. غیر از فصل دهم که به مکتب موقعیت‌گرایی (occasionalism) یا اندیشه اصالت موقعیت در نگاه مالبرانش و غیره اختصاص دارد، سایر فصل‌ها به ترتیب به توصیف و تبیین اندیشه‌های فرانسیس بیکن، دکارت، گاسندی و هابز، اسپینوزا، و سرانجام لایپ‌نیتس اختصاص دارند. هر فصل فهرست مفصلی از آثار خود فیلسوفان و آثار مربوط به آنان را شامل است و برای مراجعه اهل فن بسی سودمند است.

دو قسمت مفید در مجموعه ده‌جلدی تاریخ فلسفه راتلج و از جمله در جلد چهار عبارت است از: الف) بخش «گاه‌شماری» (chronology) که پس از معرفی اجمالی نویسندگان جلد مورد بحث آمده است و فهرست رخداد‌های گوناگون ۱. سیاسی و دینی، ۲. علمی و فناوری، ۳. فلسفی، و ۴. هنری واقع در دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفده را گزارش می‌دهد که بسیار مفید است؛ ب) قسمت «اصطلاح‌نامه» (glossary) که در اواخر کتاب پس از فصل یازدهم تنظیم شده است و به نظر می‌رسد نه تنها برای محصلان، که برای معلمان فلسفه نیز بسی مفید و مغتنم است. بدین ترتیب، بخش ضمایم کتاب مشتمل است بر همین قسمت «اصطلاح‌نامه» و «نمایه نام‌ها» (index of names) و «نمایه موضوعات» (index of subjects).

به نظر می‌رسد، در کنار آثاری مانند تاریخ فلسفه امیل بریه^۱ و تاریخ فلسفه کاپلستون^۲، ترجمه آثاری چون تاریخ فلسفه راتلج برای جامعه فلسفه‌خوان ایرانی لازم است تا با کارهای تخصصی‌تر و تازه‌تر در حوزه فلسفه غربی آشنا شود. از سوی دیگر، شاید برای نگارش تاریخ فلسفه‌های اسلامی ایرانی هم مفید باشد، از این جهت که نمونه بیش‌تری از تمرین‌های انجام‌پذیرفته دیده شود. البته نباید نادیده گرفت که تاریخ فلسفه اسلامی^۳ (A History of Islamic Philosophy) با ویرایش سیدحسین نصر و اولیور لیمن جزء آثاری است که خوش‌بختانه در ایران ترجمه و توسط انتشارات حکمت چاپ شده است. اما نکته دیگر عبارت است از اهتمام بر ویرایش تخصصی ترجمه که در ایران گاهی مهم شمرده نمی‌شود. به نظر می‌آید لازم است ناشران ویرایش و یک‌دست‌ساختن چنین ترجمه‌هایی را جدی شمارند.

۳. معرفی کوتاه ترجمه فارسی تاریخ فلسفه غرب: دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم

تاریخ فلسفه غرب دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم، اثر جی. اچ. آر. پارکینسون و ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی که موضوع نوشته کنونی است، در سال ۱۳۹۲ با هم‌کاری انتشارات حکمت و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به چاپ رسید. از اسامی که بگذریم، حُسن سلیقه مترجم یا کسی که تصویر مونالیزا، شاه‌کار لئوناردو داوینچی، را برای روی جلد انتخاب کرده است نباید فراموش کرد. این تصویر ذهن خواننده را به فضای «دوره نوزایی» می‌برد و شاید نوعی آرامش ذهنی ایجاد کند. درج عنوان اصلی و ویراستار یا نویسنده در پشت جلد کتاب کاری لازم است که انجام نشده است.

ویراستار ترجمه حسن فتحی است که نام ایشان در صفحه شناسه، که پیش از صفحه فهرست است، درج شده است. شایان ذکر است که اثر موردبحث تقریباً در همان اوان با ترجمه حسن مرتضوی هم با عنوان تاریخ فلسفه راتلج: رنسانس و عقل‌باوری سده هفدهم، از سوی انتشارات «پویه‌نگار» (۱۳۹۲) به چاپ رسیده است. چنان‌که پیش‌ازاین گفته شد، جلد چهارم تاریخ فلسفه راتلج که موردبررسی ماست به قلم اهل فلسفه ترجمه، و ویرایش شده است. در کارنامه علمی پژوهشی مترجم محترم، سیدمصطفی شهرآیینی، و ویراستار محترم، حسن فتحی، تألیف و ترجمه‌های متعددی را شاهدیم که می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره کرد:

۱. تأملاتی درباب تأملات دکارت (رساله دکتری)، سیدمصطفی شهرآیینی، ققنوس، ۱۳۸۹؛
۲. طرح اجمالی فلسفه اسپینوزا، نوشته ایرول هریس، ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی، نشر نی، ۱۳۸۹؛
۳. دکارت، نوشته جان کاتینگم، ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی، نشر نی، ۱۳۹۲؛
۴. تاریخ فلسفه گاتری، افلاطون: مجلدات ۴ و ۵ از تاریخ فلسفه یونان نوشته دلبیو. کی. سی. گاتری، که در ترجمه شامل مجلدات ۱۳ تا ۱۸ از تاریخ فلسفه گاتری است. ترجمه حسن فتحی، شرکت انتشاراتی فکر روز، دهه ۱۳۷۰.
۵. مثال خیر در فلسفه افلاطونی - ارسطویی، نوشته گنورگ گادامر، ترجمه حسن فتحی، انتشارات حکمت، ۱۳۸۲.

۶. تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون (جلد اول)، ویرایش س. س. و. تیلور، ترجمه حسن فتحی و ویرایش سیدمصطفی شهرآیینی، انتشارات حکمت و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۲.

برشمردن چند اثر به‌منزله بخشی از فعالیت‌های علمی - فکری مترجم یا ویراستار فقط ممکن است بخشی از علاقه فکری و تجربه کاری او را نشان دهد. نباید از صرف این برشمردن جنبه ارزشی را مراد یا استنباط کرد؛ هرچند همین تجربه‌ها و مأنوس‌بودن با مباحث فلسفی به‌صورت دانشگاهی و فنی کلمه موجب برخورداری از توشه‌ای است که خود شرط لازم برای کار تألیف یا ترجمه است.

به‌نظر می‌رسد که اگر در شرایط و فضای معمولی تألیف یا ترجمه نه برای تفنن، بلکه به‌دلیل دغدغه علمی باشد، انتظار طبیعی این است که مترجم یا نویسنده، در حد توان، خود را آماده کار خواهد ساخت. به‌هرحال، دیگر شرط‌های لازم را هم نباید نادیده گرفت. بعضی از شرط‌هایی که می‌توان برای ترجمه ضروری شمرد عبارت‌اند از: آشنایی درخور با زبان مبدأ و مقصد، آشنایی با اصطلاحات فلسفی و جریان‌های فکری مربوطه، بازخوانی و بازنگری ترجمه، شتاب‌نکردن در ترجمه، و احساس نیاز مراجعه به آثار دیگر اعم از عمومی و خصوصی؛ منظور لغت‌نامه‌های معتبر تک‌زبان، دوزبان، دایرة‌المعارف، و آثار فلسفی مرتبط است.

باتوجه به آنچه گفتیم، درباره ترجمه کتاب دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم، نگارنده برای رعایت کردن یا رعایت‌نکردن برخی از شرط‌های نام‌برده فعلاً نه موضع مثبت دارد و نه موضع منفی. اگر خواننده انتظار چنین موضعی را دارد، باید منتظر باشد تا در پایان کار، آن هم به‌نحو کاملاً نسبی، به مطلوب خویش رسد. داوری ارزشی ما درباره کارهای دیگران ممکن است با استفاده از مفاهیمی مانند خوب، بد، علمی، غیرعلمی، و مانند آن ابراز شود؛ اما برای آن‌که چنین نظری اعتبار داشته باشد، باید ملاک و معیار داشته باشیم.

در این نوشته، ما به‌دنبال داوری ارزشی نخواهیم بود؛ بنابراین به‌جای مفاهیم ارزشی مذکور بهتر است به مفاهیمی چون مفید، مفهوم، روان، و شاید درست‌بودن ترجمه بسنده کنیم و برپایه این نوع بررسی، داوری ارزشی را برعهده خواننده این نوشته بگذاریم. اما فراموش نکنیم که بررسی ما هم نسبی است، زیرا فقط برخی از قسمت‌ها با متن اصلی تطبیق و بررسی شده است و مفاهیمی هم که در بررسی مدنظر بوده‌اند معیارهایی نسبی‌اند؛ زیرا جنبه کیفی در آن‌ها غالب است و بنابراین قطعیت واقع در مفاهیم و تعاریف ریاضی را نباید انتظار داشت.

۴. بررسی صوری ترجمه فارسی دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم

پیش‌ازاین گفتیم که در بررسی وضع صوری به مواردی مانند عنوان کتاب و شناسه، ترتیب قسمت‌ها، توضیحات مترجم، غلط‌های چاپی، و فروافتادگی‌ها نظر کرده‌ایم. پیشاپیش باید گفت که برخی از این موارد مانند تنظیم عنوان و شناسه اثر ممکن است به ناشر و دست‌اندرکاران نشر مربوط باشد، نه مترجم. برای راحتی کار، موارد بررسی را با شماره‌گذاری آورده‌ایم و برای ارجاع، برخی نشانه‌های اختصاری به‌کاربرده شده‌اند که عبارت‌اند از: ص / صص = صفحه / صفحه‌ها؛ س / سس = سطر / سطرها؛ ب = بند (پاراگراف). اختصارات انگلیسی برای متن اصلی نیز عبارت‌اند از: P/PP= Page/ Pages; L/ LL= Line/ Lines; Par= Paragraph.

۱.۴ عنوان، صفحه شناسه، و ترتیب قسمت‌های کتاب

کتاب *دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم* در قطع وزیری و دارای شش‌صد و پنجاه (۶۵۰) صفحه است. شماره‌گذاری از همان آغاز کتاب شروع شده است، هرچند نخستین شماره یعنی عدد دوازده (۱۲) در سمت چپ برگ ششم خودنمایی می‌کند. به‌جای عنوان کلی *Routledge History of Philosophy* روی جلد در متن انگلیسی، عبارت *تاریخ فلسفه غرب* آمده است. پیش از نام مترجم، نام جی. اچ. آر. پارکینسن بدون ذکر لفظ ویراستار آمده که سبب می‌شود با نگاه به روی جلد، فکر کنیم که نام نویسنده باشد؛ حال آن‌که پارکینسون، گذشته از ویراستار بودن، فقط یکی از یازده نویسنده کتاب است. نام ویراستار متن اصلی روی جلد به‌صورت جی. اچ. آر. پارکینسن ضبط شده است، ولی در صفحات شناسه، که برگ دوم و سوم است، به‌صورت جی. اچ. آر. پارکینسون است. در صفحه فهرست، باز لفظ پارکینسن درج شده است. به‌نظر می‌رسد در ضبط اعلام همیشه باید یک‌دست عمل کرد.

ترتیب قسمت‌های ترجمه تماماً با متن اصلی مطابقت دارد. این مطابقت در ترجمه هر بند یا پاراگراف و حفظ آن در ترجمه فارسی در کوتاه‌بودن سطر نقل‌قول‌ها و در ترتیب قسمت‌های گوناگون کتاب به‌چشم می‌خورد. البته به‌جای «نمایه موضوعات» (index of subjects) در ترجمه «نمایه کتاب‌ها» (صص ۶۴۸-۶۵۰) درج شده است. درست است که تهیه نمایه موضوعی کاری دشوار و زمان‌بر است، اما وجود آن برای آسان‌تر کردن مراجعه به مباحث موردجست‌وجو بسیار مفید و امری لازم می‌نماید. هر دو

متن اصلی و ترجمه دارای «نمایه اسامی» (index of names) (صفحات ۶۴۳-۶۴۷) از ترجمه هستند.

درباره یادداشت‌های هر یازده فصل، مترجم محترم کوشیده است تا حد ممکن آن‌ها را ترجمه کند. شماره‌گذاری‌های داخل پرانتز در متن هر فصل به همین یادداشت‌های پایانی مربوط است. البته در برخی موارد بخشی یا همه یادداشت ترجمه نشده است. می‌توان استنباط کرد که این کار طبق معیار انجام پذیرفته و آنچه مشهود است عبارت است از ترجمه‌نکردن یادداشتی که اساساً غیر از ارجاع کتاب‌شناختی چیز دیگری نبوده است.

۲.۴ افزودن توضیحات از جانب مترجم

یکی از نکات مناسب عبارت است از قسمتی به نام «یادداشت مترجم» (صفحات ۱۱ تا ۱۴)؛ ایشان ضمن آن برخی سیاست‌هایی را که در جریان ترجمه داشته‌اند بیان می‌کنند، مانند توجه به اهمیت کتاب، رعایت امانت‌داری، حفظ ساختار متن، معرفی مرجع در ضبط اعلام، و حتی بیان انگیزه در جدانویسی واژگان مرکب.

مترجم داخل هریک از فصل‌ها خود را مقید کرده است که عنوان اصلی کتاب‌ها، عبارت‌های لاتین، و معادل برخی اصطلاح‌ها یا کلمه‌ها را در پانویشت بیاورد. طبعاً بر همین اساس داخل متن ترجمه دو گونه شماره‌گذاری وجود دارد: شماره‌های داخل پرانتز که مربوط به متن اصلی است و به یادداشت‌های پایان هر فصل ارجاع دارد؛ و شماره‌گذاری‌های مترجم که به پانویشت‌ها ارجاع می‌دهد. افزون‌براین، مترجم در جاهایی تشخیص داده است که لازم است عبارت یا اصطلاحی توضیح داده شود. ایشان چنین مواردی را در پانویشت آورده و پایان توضیح خویش را با حرف «م» به نشانه «مترجم» مشخص کرده است تا خواننده آن‌ها را با برخی توضیحات نویسنده فصل که گاهی در پانویشت آمده‌اند درنیامیزد. مواردی هست که مترجم اسم‌های خارجی را با اسم‌های ایرانی جابه‌جا کرده است. اسم‌هایی که از باب نمونه آمده و دخل و تصرف در آن‌ها جایز بوده است. مترجم به این موارد نیز اشاره کرده است، مانند پانویشت‌های صفحه‌های ۶۰۷ و ۶۲۸. درخصوص آنچه گفته شد، فقط این نکته شایسته یادآوری است که مترجم برای برخی توضیحات خویش در پانویشت‌ها مأخذ و مرجعی معرفی نمی‌کند، نه در قسمت «یادداشت مترجم» و نه در پانویشت توضیحی (مانند توضیحاتی که در پانویشت‌های صفحات ۱۶۲، ۱۹۹، ۲۱۸، ۲۴۸، ۲۷۷، ۳۰۲، ۵۰۴، ۵۲۵، و ۵۹۵ آمده است). ناگفته

بررسی و نقد ترجمه جلد چهارم تاریخ فلسفه غرب (راتلج) ۱۹۳

نماند این توضیحات برای خواننده فارسی زبان بسیار مفید و راه‌گشایند. البته به‌ندرت برای برخی توضیحات مأخذ ذکر کرده است، مانند پانوشتهای واقع در صفحات ۱۶، ۲۴۷ و ۴۷۰.

گاهی هم به‌ندرت ممکن است اصطلاحی را دید که با توجه به دغدغه نویسنده شایان توضیح بوده است، اما از قلم افتاده است. مانند «شورای دورت» ذیل مدخل «مکتب آرمینیوسی» (ص ۶۴۰) (متن اصلی: 'Synod of Dort. P: 424.) و اصطلاح «axioma» ذیل مدخل «مفاهیم مشترک» (ص ۶۴۰) (متن اصلی: P: 426).

۳.۴ افتادگی واژه یا عبارت در ترجمه

اندک مواردی را می‌توان دید که واژه یا عبارتی در ترجمه فروافتاده باشد، مانند:

- در صفحه ۲۰، ذیل نام «جی. جی. کاتینگم» افتادگی نام کتاب *A Descartes Dictionary* (1992)

P: xi, L: 6. *A Descartes Dictionary* (1992)

- در صفحه ۲۱، ذیل عنوان «گاه‌شماری»، سطر ۳، افتادگی یک جمله:

P: xiii, Chronology, L: 3-5. 'The titles of works not written in English have been translated, unless they are better known in their original form.'

- در صفحه ۴۳، سطرهای ۲ تا ۴، افتادگی واژه «the philosophy» و عبارت «in the seventeenth century» ضمن جمله‌های «اما آنچه عرضه می‌شود تاریخچه جامع این دوره نیست. از موضوعاتی نظیر ... سرآغازهای تجربه‌گرایی انگلیسی ...».

P: 1. LL: 3-7. 'What is offered; however, is not a comprehensive history of the philosophy of this period. Topics such as ... the beginnings of British empiricism in the seventeenth century, ... !'

- در صفحه ۱۱۰، بند ۱، سطرهای ۷ تا ۸، افتادگی واژه «essential» از جمله «... درک مفاهیمی مانند بی‌کرانگی ...».

P: 49, Par: 1, LL: 9-10. '... to grasp essential notions like infinity ...'

- در صفحه ۲۳۲، بند ۱، سطرهای ۳ تا ۴، افتادگی واژه «philosophical» از جمله «... ماهیت دقیق دستاورد شخص بیکن ...».

P: 140, Par: 2, LL: 1-3. '... the exact nature of Bacon's own philosophical achievement ... !'

۴.۴ غلط‌های چاپی

نبود غلط‌های چاپی در ترجمه تاریخ فلسفه یکی دیگر از موارد امتیاز آن است، طوری که به‌ندرت با غلط چاپی روبه‌رو می‌شویم، مانند:

- در صفحه ۴۶، بند ۲، سطر ۲، «روبط»؛ صورت درست: «روابط».

- در صفحه ۱۰۹، سطر ۱، «هم‌آهنگی عالم جورجی»؛ احتمالاً صورت درست: «هم‌آهنگی عالم [اثر] جیورجی».

P: 48, L: 6. '... Giorgi's *De harmonia mundi*...'

- در صفحه ۱۰۹، بند ۱، سطر ۱۰، «می‌شاخت»، صورت درست: «می‌شناخت».

- در صفحه ۳۷۳، پانویشت ۴، «Syntagm philosophicum»، صورت درست « Syntagma philosophicum» (متن اصلی: P: 244, Par: 1, LL:7-8).

- در صفحه ۳۷۴، پانویشت ۳، «Estachius a Sancto Paulo»، صورت درست «Eustachius a Sancto Paulo».

براساس آنچه ملاحظه شد، می‌توان گفت که مترجم دغدغه داشته است که اثر تاجایی که ممکن است از آسیب‌های شکلی پیراسته باشد. این دغدغه چنان بوده است که ایشان در پانویشت صفحه ۴۰۵ اشاره می‌کند که ارجاعات درون‌متنی نویسنده فصل هفت را تماماً به قسمت یادداشت‌های پایان فصل منتقل کرده است تا همه فصل‌ها یک‌دست شوند. به‌نظر می‌آید در این بخش از بررسی می‌توان به اندک افتادگی‌های واژه یا عبارت در ترجمه و غلط‌های چاپی اشاره کرد. رخ‌دادن این‌گونه سهوها در جریان کار طبیعی است. طبعاً وجود موارد اندک نشانه‌ی بازنگری و بازخوانی است. گاهی خستگی و شتاب و مانند آن باعث می‌شود که مترجم واژه یا عبارتی را نبیند یا به‌صورت دیگری بخواند. امید است این‌گونه موارد نادر در چاپ بعدی کتاب *دوره نوزایی و عقل‌گرایی در قرن هفدهم* بازنگری شوند.

۵. بررسی محتوای ترجمه فارسی دوره نوزایی و عقل‌گرایی در قرن هفدهم

در بررسی چگونگی محتوا به نکاتی مانند ترجمه قسمت «اصطلاح‌نامه»، ترجمه نام کتاب‌ها، ترجمه عبارت‌های لاتینی، رسا و مفهوم‌بودن یا درست‌بودن ترجمه واژه‌ها، عبارت‌ها، و جمله‌ها پرداخته‌ایم.

۱.۵ قسمت اصطلاح‌نامه

قسمت «اصطلاح‌نامه» (صفحات ۶۲۷ تا ۶۴۲) (متن اصلی: 'Glossary'; PP: 424-435) یکی از ضمیمه‌های مهم کتاب است و مترجم اهتمام داشته تا حد ممکن به ترجمه اصطلاحات وفادار ماند و آن‌ها را به همان سیاق ضمن متن فصل‌ها به کار گیرد. اکنون ترجمه چند نمونه از مدخل‌ها را بررسی خواهیم کرد که به نظر می‌رسد شاید نیازمند نوعی بازنگری باشند.

– در صفحات ۶۲۹ تا ۶۳۰، مدخل «ایده»، (متن اصلی: 'idea'; P: 429).

در بحث از فلسفه‌های افلاطونی و نوافلاطونی، شاید طبق سنت فلسفی مرسوم، معادل «مثال» به جای «ایده» مناسب‌تر است. هم‌چنین در مدخل نام‌برده، در عبارت‌های «... فرد با دیدگان ذهن می‌بیند» و «... ایده‌ها در ذهن خداوند وجود دارد». واژه «mind» به «ذهن» ترجمه شده است که به نظر می‌رسد به دو دلیل مناسب نیست: الف) کاربرد این واژه در بحث از فلسفه‌های افلاطونی و نوافلاطونی به معنای ذهن در اصطلاح فلسفه معاصر یا روان‌شناسی تجربی نیست. برای آن فلسفه‌ها بیش‌تر مسئله «نفس» و نیز «عقل» به عنوان زبده و لب نفس مطرح بوده است؛ ب) خود مترجم نیز واژه «mind» را ذیل مدخل «نظریه و جوه دوگانه» (ص ۶۴۲، متن اصلی: P: 427) که به دکارت مربوط است به واژه «نفس» ترجمه نموده است که با فلسفه‌های افلاطونی و نوافلاطونی نیز تناسب بیش‌تری دارد. بنابراین برای دو عبارت واقع در ذیل مدخل «ایده» موارد پیش‌نهادی چنین است:

– پیش‌نهاد: «... فرد با دیده نفس می‌بیند» به جای «... فرد با دیدگان ذهن می‌بیند» (ص ۶۲۹).

– پیش‌نهاد: «ایده‌ها در علم/عقل الهی وجود دارند» به جای «ایده‌ها در ذهن خداوند وجود دارد» (ص ۶۳۰).

– در صفحه ۶۳۲، مدخل «تعریف تجویزی» (متن اصلی: 'Definition', PP: 426-7) 'stipulative'، ذیل این مدخل توضیحاتی درباره تعریف «توصیفی» و تعریف «تجویزی» آمده است. سپس در اواخر توضیحات عبارت «گرچه تعریف شرطی صدق و کذب‌بردار نیست» آمده است. تعبیر «تعریف شرطی» در ترجمه اصطلاح «stipulative definition» آمده است و خواننده را به اشتباه می‌افکند که ذیل مدخل گویی از سه گونه تعریف سخن گفته شده است. عبارت متن اصلی چنین است «Although a stipulative definition can not be true or false, ...»؛ بنابراین طبق متن به جای «تعریف شرطی» باید تعبیر «تعریف تجویزی» بیاید.

- پیش‌نهاد: «گرچه تعریف تجویزی، امکان صدق یا کذب ندارد» به جای «گرچه تعریف شرطی صدق و کذب بردار نیست».

- در صفحه ۶۴۲، مدخل «نظریهٔ وجوه دوگانه» (متن اصلی: P: 427; 'double aspect (theory)).

مطابق توضیح واقع ذیل عنوان «نفس و بدن»، دو وجه یا جلوه از یک واقعیت بنیادین هستند. باتوجه بدین معنا و با نظر به ترکیب «double aspect» که ضمن آن بر دوگانگی یا دوتابودن وجه تأکید شده است، عنوان «وجوه دوگانه» با توضیح بیان‌شده به‌طور کامل منطبق نیست. ترجمه گویی این معنا را می‌رساند که بیش از دو وجه یعنی وجوهی هست که هرکدام از این وجوه دوگانه‌اند.

- تعبیر «نظریهٔ دوجوهی [نفس و بدن]» به جای «نظریهٔ وجوه دوگانه» بیاید.

۲.۵ ترجمهٔ برخی واژه‌ها یا عبارات‌ها

واژه‌ها یا عبارات‌ها در ترجمهٔ فارسی به‌صورت روان، رسا، و درست به‌کار رفته‌اند. به همین جهت با جمله‌های روان و محکم روبه‌رو می‌شویم. البته به‌ندرت ممکن است نمونه‌هایی را بیابیم که به‌نظر می‌رسد محل تجدیدنظر باشند؛ مانند:

- در صفحه ۴۶، سطرهای ۲ تا ۴، واژه «طرح» در ترجمهٔ لغت لاتینی «quaestio» (متن اصلی: P: 3, LL: 11-14).

واژه «طرح» در متن باتوجه به واژه لاتینی بالا و عبارت «posing the problem» آورده شده است، ولی به‌عنوان معادل لغت لاتین نقص دارد؛ چون «quaestio» و «quaestio» در زبان لاتین معادل «question/ problem» است (Merriam Webster's Collegiate Dictionary 2003: 1020). آوردن واژه «طرح» به‌تنهایی، که بر بیان روند سه‌مرحله‌ای مسئله، بحث، و حکم (متن اصلی: quaestio, disputatio and sententia) ناظر است، ابهام دارد. همان‌طور که خود مترجم نیز در سطر ۳ از صفحه ۴۶ تعبیر «طرح مسئله» را در ترجمه آورده است، این تعبیر به‌هم‌راه اصطلاح لاتینی بر پی‌افکندن مسئله ناظر است، نه صرف پی‌افکندن.

- پیش‌نهاد: تعبیر «مسئله / طرح مسئله» به جای «طرح».

- صفحه ۵۳، بند ۲، سطرهای ۴ تا ۵. ترجمهٔ عبارت «a personal deity, creator of the universe» (متن اصلی: P: 8, last line) به «خدای شخص‌وار آفریدگار عالم». باتوجه به این که یکی از معانی پسوند «وار» عبارت است از مانند و شبیه (فرهنگ عمید ۱۳۸۴: ج ۳، ۲۴۴۲)

و در ترجمه عبارت به همین معنی است، باعث می‌شود تا سخن نویسنده را بدین معنی بگیریم که وی از خدایی «مانند یک شخص» حرف می‌زند، حال آن‌که علاوه بر تعبیر متن اصلی مطالب پس و پیش نیز، مانند اراده و انتخاب آزادانه آفرینش عالم، حاکی از آن است که منظور نویسنده صحبت از خداوند به عنوان یک شخص در برابر تلقی یا معنای دیگر است، مثلاً تلقی شیء بودن خداوند؛ ثانیاً خود مترجم در همان صفحه عبارت «موجودی غیرشخصی» (ص ۵۳، س ۷) را در ترجمه «an impersonal being» (متن اصلی: P: 9, L: 3) آورده است.

- پیش‌نهاد: «خدای شخصی، آفریدگار عالم» به جای «خدای شخص‌وار آفریدگار عالم».

- در صفحه ۲۳۲، بند ۱، سطرهای ۶ تا ۷، ترجمه عبارت «an inevitable although self-aware anachronism» (متن اصلی: P: 140, Par: 2, LL: 7-9) به صورت «نوعی سهو تاریخی گریزناپذیر، هرچند آگاهانه‌ای...». به نظر می‌آید عبارت «سهو تاریخی» که در ترجمه «anachronism» آورده شده است از مطلب پیش از جمله، که بیان‌گر نوعی عدول از زمان وقوع چیزی است، دور می‌شود. واژه «anachronism» بر نوعی خارج کردن رخداد یا امری از مقطع زمانی خویش ناظر است. مطلب قبل از جمله موردنظر دقیقاً این‌جا به جایی زمانی را در خصوص شخص فرانسیس بیکن بیان می‌کند. بدین معنی که از یک‌طرف در زمان بیکن و حتی تا مدت‌ها بعد از آن مقوله‌ای به نام «علم» مطرح نبوده است و از طرف دیگر، از دست‌آورد بیکن در پیدایش نهضت جدید علمی سخن گفته می‌شود. بنابراین، مقوله علم از برهه‌ای که به بعد از بیکن تعلق دارد به خود بیکن اطلاق شده است. این نمونه‌ای است از «anachronism» یا جابه‌جایی زمانی. تعبیر سهو تاریخی به معنی نوعی خطای غیرعمدی تاریخی معنای مذکور را مبهم می‌کند. معلوم نیست این سهو تاریخی چیست و چرا سهو است.

- پیش‌نهاد: «نوعی جابه‌جایی زمانی...» به جای «نوعی سهو تاریخی...».

۳.۵ ترجمه عنوان لاتینی کتاب‌ها

در موضعی از کتاب، به ویژه بخش‌های مربوط به دوره نوزایی، گاهی عبارت‌های لاتین یا کتاب‌هایی با عنوان لاتین آمده است و مترجم در همه موارد کوشیده است معادل لاتینی را در پانویس ضبط کند. به نظر می‌رسد ترجمه فارسی برخی موارد نامناسب یا نادرست است؛ مانند:

- در صفحه ۳۳، گاه‌شماری، ردیف ۶، نام کتاب گاسندی تمرین‌های فراباورانه علیه ارسطوئیان آمده است (متن اصلی، ردیف ۳: P: xxv, year 1642). در صفحه‌های ۳۶۷ تا ۳۶۹ و صفحه ۳۷۷ نیز این نام ذکر شده است. نام کامل اثر مطابق متن اصلی (P: 267, no: 7.4)، عبارت است از: *Exercitationes paradoxicae adversus Aristotelos* اگرچه واژه آغازین عنوان به لحاظ لغوی و معنا با لفظ «exercise» مرتبط است، اما این‌جا به معنی گفتار است. ویلیام ریس عنوان کتاب گاسندی را *Discourses on the Paradoxes of the Aristotelians* ضبط کرده است (Reese 1996: 253).

- پیش‌نهاد: (احتمالاً) «گفتارهایی علیه پارادوکس‌های ارسطوئیان» به جای «تمرین‌های فراباورانه علیه ارسطوئیان».

- در صفحه ۲۳۶، بند ۱ (نقل قول)، سطر ۱، نام کتاب *بیکن احیای تازه درست از مبانی* ذکر شده است. نام لاتینی کتاب در پانویشت شماره ۱ همان صفحه نیز درج شده است. در متن اصلی می‌بینیم که هم نام لاتینی و هم ترجمه انگلیسی ضبط شده است که عبارت است از: 'P: 143, Par: 3, quotation no 2: 'instauratio ab imis fundamentis' ('a new beginning from the very foundations'.

مطابق با همین ترجمه انگلیسی می‌توان دید که ضبط نام کتاب در ترجمه فارسی خالی از اشکال نیست. بیکن بر آن است که از همین مبانی موجود و دم‌دست می‌توان بنای جدیدی را آغاز کرد.

- پیش‌نهاد: «آغازی نوین/ احیا از مبانی حاضر» به جای «احیای تازه درست از مبانی».

- در صفحه ۳۷۵، بند ۱، سطر ۲ تا ۳. نام قسمتی از رساله گاسندی، که اساساً کتاب اول از مبحث منطق آن رساله است، «درباره خاستگاه منطق‌های گوناگون» ذکر شده است. در پانویشت شماره ۲ همان صفحه نام لاتینی بدین صورت درج شده است: «De origine et varietate logica». حرف et در زبان لاتین به معنی حرف عطف «و» است؛ ثانیاً واژه «logica» مفرد است، نه جمع.

- پیش‌نهاد: «درباره خاستگاه و تطور منطق» به جای «درباره خاستگاه منطق‌های گوناگون».

۴.۵ ترجمه برخی جمله‌ها

چنان‌که پیش‌ازاین گفته شد، ترجمه کتاب به سبب تخصص مترجم و برخی دیگر از ملاحظات و هم‌چنین ویرایش آن به دست ویراستار متخصص سبب شده است با متنی

روبه‌رو شویم که روانی و رسایی و محکم‌بودن عبارت‌ها و جمله‌ها از ویژگی‌های آن است. البته نمی‌توان منکر شد که ممکن است جمله‌ای سست یا نادرست هم در ترجمه پیدا شود، که البته در کار ترجمه به‌ویژه ترجمه آثار نظری و محض شاید غیرعادی نباشد. در این خصوص به دو سه مورد اشاره می‌کنیم.

– در صفحه ۱۱۰، سطر ۶ تا ۷، «اما عالم مدنظر او در تحت افلاک، برخلاف [عالم] کُپرنیک، همان عالم سستی متناهی، بسته و زمین محور بطلمیوسی – ارسطویی بود». متن اصلی جمله بدین صورت است:

P: 48, last line and P: 49, LL: 1-2. 'Below the heavens, however, his cosmos was the traditional Ptolemaic-Aristotelian one: finite, closed, with the earth – despite Copernicus – at its centre.'

مطلب نقل‌شده درباره نگاه پاتریسی (Patrizi) به جهان تحت افلاک است. در متن اصلی، مطلب معترضه به مورد مرکزیت زمین ناظر است و دلالت بر آن دارد که جهان تحت افلاک در نگاه پاتریسی، همان جهان بطلمیوسی – ارسطویی سستی بوده که آن را به تنهایی و بسته‌بودن و درعین‌حال، برخلاف نظر کُپرنیک، به مرکزیت زمین متصف می‌کرد. محل اختلاف کُپرنیک با پاتریسی در باب مرکزیت زمین است. بنابراین، عبارت «برخلاف [عالم] کُپرنیک» در ترجمه در جای مناسب خود نیامده و باعث به‌هم‌خوردن مطلب است. پیش‌نهاد ترجمه جمله: «اما جهان مدنظر او در تحت افلاک عبارت بود از جهان بطلمیوسی – ارسطویی سستی: جهانی متناهی و بسته، و برخلاف رأی کُپرنیک، با مرکزیت زمین».

– در صفحه ۲۸۲، سطر ۹، «سطح زمین سطح حقیقی هندسی و میدان نیروی یک‌نواختی است». در همان صفحه ۲۸۲، معادل‌های انگلیسی دو عبارت اخیر واقع در جمله به ترتیب ضمن پانوشته‌های شماره ۵ و ۶ درج شده‌اند. اما جمله در متن اصلی بدین صورت است:

P: 178, LL: 9-10. '... Earth's surface being a true geometrical plane and its being a parallel force field.'

آن‌چه عبارت «a true geometrical plane» بر آن دلالت دارد حقیقی‌بودن «سطح هندسی» برای کره زمین است. درباره عبارت «a parallel force field» گفتنی است که مطابق متن و به‌ویژه براساس واژه «(parallel)»، دانش «استاتیک» (Statics) مرسوم در آغاز قرن هفدهم

مفروض می‌گرفت که سطح کره زمین هم‌چون میدانی است که در آن حالت تعادل نیروها یا حالت وجود نیروهای متوازی و متعادل اعم از کنش و واکنش برقرار است.
- پیش‌نهاد ترجمه جمله: «... سطح زمین سطح هندسی حقیقی بوده و میدان نیروی متعادل است».

- در صفحه ۳۷۵، بند ۱، سطر ۴ تا ۵، جمله «کتاب دوم، درباره غایت منطق، اهمیت معیارهای احکام نظری اپیکور را روشن می‌سازد». جمله در متن اصلی بدین صورت است:
P: 245, Par: 1, LL: 5-7. 'The second book, De logicae fine, makes clear the signification of Epicurus's canons for cognitive judgment.'

مطلب معیارهای اپیکور عبارت است از معیارهای حقیقت که او طی مباحث منطقی بدان توجه داشته است؛ ملاک‌های حقیقت نزد اپیکور عبارت‌اند از سه معیار ادراک حسی، تصویر حافظه‌ای (یا مفاهیم)، و احساسات (یا انفعالات). به‌زعم اپیکور آدمی از جمله برپایه دو معیار نخست و مفاد آنهاست که می‌تواند احکام معرفتی را که امکان صدق یا کذب دارند (کاپلستون ۱۳۸۸: ۴۶۲-۴۶۳) صادر کند. به‌نظر می‌رسد مترجم حرف «for» را گویی به‌صورت حرف «of» قرائت کرده است.

- پیش‌نهاد ترجمه جمله «کتاب دوم، درباره غایت منطق، اهمیت معیارهای [حقیقت] اپیکور را برای احکام نظری روشن می‌سازد».

۶. امتیازهای غالب در متن ترجمه فارسی

اکنون، پس از بررسی وضعیت صوری و کیفیت محتوایی ترجمه، فضای حاکم بر اثر را می‌توان فضای حضور ملموس نویسندگان و حضور ناملموس مترجم و ویراستار شمرد. باتوجه‌به کل ترجمه، می‌توانیم موارد زیر را وجوه غالب در سراسر اثر بشماریم:

۱. رعایت امانت‌داری علمی و ترجمه همه اثر تقریباً بی‌کم و کاست اعم از گاه‌شماری، مقدمه، فصل‌ها، ... تا نمایه اسامی؛

۲. روانی و رسایی و قابل‌استفاده‌بودن ترجمه، بدون احساس نیاز به مراجعه به متن اصلی؛

۳. پیراستگی متن ترجمه از غلط‌های چاپی به‌میزان بسیار خوب؛

۴. دقت در ترجمه اصطلاحات فلسفی و انتقال معنای مناسب آنها باتوجه‌به هریک از فیلسوفان مورد‌بحث؛

۵. متن ترجمه اساساً نوعی اطمینان خاطر برمی‌انگیزد؛ طوری که سبب می‌شود هم‌چون اثری معتبر در محافل دانشگاهی محل ارجاع قرار گیرد؛
۶. وجود «نمایه کتاب‌ها» که افزوده مترجم است؛
۷. افزودن توضیحاتی به منظور روشن‌ساختن بعضی واژه‌ها یا عبارتهایی که برای خواننده فارسی‌زبان آشنا و مأنوس نیستند؛
۸. به‌کارگرفتن ترجمه اصطلاحات واحد ممکن به همان صورتی که در قسمت «اصطلاح‌نامه» ترجمه و درج شده‌اند؛
۹. ضبط اسم‌های خاص به صورتی که واحد ممکن به تلفظ اصلی نزدیک‌ترند؛
۱۰. ویرایش اثر به قلم ویراستاری که هم‌چون خود مترجم اهل فلسفه به معنای فنی کلمه است.

۷. نتیجه‌گیری

براساس آنچه گفتیم، اکنون می‌توان درباره ترجمه کتاب تاریخ فلسفه غرب (راتلج): دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم، به قلم سیدمصطفی شهرآیینی و ویرایش حسن فتحی، داوری نسبی داشت. پیش‌ازاین گفتیم که داوری را برپایه معیارهایی چون مفید، روان و مفهوم‌بودن، دقت و امانت‌داری، و مانند آن انجام خواهیم داد. این نکته را نیز بگوییم که گزارش مواردی برای بررسی، با توجه به متن دست‌کم شش صد صفحه‌ای ترجمه، البته ناچیز می‌نماید. بنابراین، محاسن اثر غالب است و با ترجمه‌ای مفید روبه‌رو می‌شویم که از وجود تجارب علمی و دیگر شرایط لازم نزد مترجم و ویراستار حکایت دارند. این امر در ترجمه جلد نخست تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون نیز، که در آنجا نقش مترجم و ویراستار جابه‌جا شده است، مشهود است.^۴

منظور ما از مفیدبودن ترجمه اشاره به نکته‌هایی است که با عنوان وجوه امتیاز متن فارسی برشمردیم. این نکته مهمی است که حضور نامحسوس مترجم سبب می‌شود تا چشم و گوش خواننده را به سخن نویسندگان سپارد. البته هیچ کار بشری را نمی‌توان از آسیب یا سهو پیراسته شمرد که ناخواسته وارد ترجمه یا تألیف اثری می‌شود و این چیزی نیست که کاملاً منتفی شود. اما دغدغه مترجم یا نویسنده در پیراستن ترجمه یا تألیف نشان‌دهنده تعهد فکری و اخلاقی وی در برابر دیگران است. دیگرانی که به‌طور نسبی یکی از انگیزه‌های دخیل در پدیدآمدن اثر بوده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. از تاریخ فلسفه امیل بریه تاکنون پنج مجلد ترجمه و انتشار یافته است. جلد اول با عنوان دوره یونانی و جلد دوم با عنوان دوره انتشار فرهنگ یونانی و دوره رومی، با ترجمه علی‌مراد داودی، در سال ۱۳۵۲ از سوی انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. پس از آن تاکنون جلد سوم و سپس جلد‌های مربوط به قرن هفدهم و هجدهم نیز به چاپ رسیده‌اند.
۲. جلد نخست تاریخ فلسفه، اثر چارلز فردریک کاپلستون، در سال ۱۳۶۲ با عنوان تاریخ فلسفه: یونان و روم، با ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبوی و توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی چاپ شد. پس از آن به تدریج مابقی مجلدات نیز به چاپ رسیده است، طوری که جمعاً یک دوره نه‌جلدی را شامل است.
۳. تاریخ فلسفه اسلامی، باویرایش سیدحسین نصر و الیور لیمن، در اصل دو جلد بوده است که در ترجمه به صورت پنج مجلد منتشر شده است. جلد نخست با ترجمه گروهی از مترجمان در سال ۱۳۸۳ توسط انتشارات حکمت به چاپ رسیده است.
۴. نگارنده درباره این اثر مقاله‌ای به نام «بررسی ترجمه فارسی تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون به قلم حسن فتحی» نگاشته است که مقرر شده است در نشریه مربوطه از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به چاپ برسد.

کتاب‌نامه

- پارکینسون، جی. اچ. آر. (۱۳۹۲)، تاریخ فلسفه غرب: دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم، ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- تیلور، س. س. و. (۱۳۹۲)، تاریخ فلسفه غرب: از آغاز تا افلاطون، ترجمه حسن فتحی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- حق‌شناس، علی محمد و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی-فارسی، دو جلد، تهران: فرهنگ معاصر.
- عمید، حسن (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی عمید، سه جلد، تهران: امیرکبیر.
- کاپلستون، چارلز فردریک (۱۳۸۸)، تاریخ فلسفه، جلد اول: دوره یونان و روم، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبوی، تهران: علمی و فرهنگی.

Merriam Webster's Collegiate Dictionary (2003), Merriam Webster Incorporated U.S.A, 11th edition
Parkinson, G. H. R. (ed.) (1993), *Routledge History of Philosophy: The Renaissance and Seventeenth-Century Rationalism*, Routledge, London and New York, first edition.
William, L. Reese (1996), *Dictionary of Philosophy and Religion*, New Jersey: Humanities Press, New and Enlarged edition, First Publication.